

تحقیقی درباره سرنوشت گرائی در سه منطقه روستائی ایران

مقدمه

این گزارش حاصل بررسی در اطلاعاتی است که پیرامون جنبه‌های مختلف سرنوشت-گرائی بطور جنسی به‌هنگام اجرای طرح بررسی میزان باروری در مناطق روستائی شهرستانهای هشتگرد، تربت حیدریه، کازرون، گرده‌آوری شده است.

هدف از طرح مسأله سرنوشت گرائی به‌هنگام اجرای تحقیق فوق، یکی بررسی این مطلب بود که ببینیم آیا روستائی اساساً "سرنوشت گراست"؟ و در این صورت اهمیت این طرز تفکر در جنبه‌های مختلف نظام فکری او تا چه حد است؟ و آیا تفاوت قابل توجهی از این نظر در مناطق مختلف وجود دارد؟ هدف دیگر این مطالعه عبارت از این بود که آیا میتوان رابطه‌ای میان درجه سرنوشت گرائی افراد، با رفتارهای آنان در زمینه باروری پیدا کرد؟ ملاحظات ما در این مقاله در محور پاسخگویی نسبی به سؤال اول یعنی سرنوشت-گرائی بطور کلی و صرفنظر از بررسی تاثیرات احتمالی آن در زمینه‌های دیگر رفتاری است.

زمینه‌های سرنوشت گرائی:

سرنوشت گرائی یا جبرگرائی و یا حالات مخالف آن از دیرباز در اجتماعات بشری مطرح بوده و مورد بحث فلاسفه و دانشمندان قرار گرفته است. ادبیات فارسی نیز شاهد گویائی از این مدعاست.

جبرکه در مقابلش اختیار قرار میگیرد - از گذشته‌ها متفکران را به خود مشغول کرده

و هر کدام طرفداران و مخالفینی داشته است. اندیشمندان غالباً "دو دسته شده‌اند: گروهی جبری و گروهی اختیاری، متکلمین امامی حالت سوم یعنی "بین الامرین" را هم به آن افزودند.

جبری کارهای صادره از انسان را مخلوق خدا میدانند، و اختیاری عقیده دارد که خداوند هیچ گونه دخالتی در کار او ندارد، و طرفداران "بین الامرین" یعنی امامیه میگویند اصل قدرت و تمام وسائل از خداوند است و بهره برداری اختیاری از آن قدرت و وسائل مربوط به انسان.

از فلاسفه "باروخ اسپینوزا" عقیده دارد که: "اراده‌ها مبتنی بر مشیت الهی است و اختیاری برای کسی نیست. مردمانیکه خود را آزاد و مختار میدانند متوجه نیستند که از علل و قصدهای خود آگاهی ندارند؛ اعتقاد جبرگرایان نسبت دادن کار به انسان مثل نسبت دادن کار به جمادات و نباتات و حیوانات است. همچنانکه آنها اختیاری ندارند انسان نیز اختیاری ندارد، انسان در دستگاه هماهنگ هستی مجبور است و در حالت انفرادی اختیاری ندارد - انسان مجبوری است که اختیار را توهم میکند، مانند اینکه حلقه انگشتری در گردش در انگشت انسانی خود را مختار گمان کند.

"ژان پل سارتر" ضمن ارائه تعریفی از اختیار میگوید "وجود در حقیقت همان لوح ساده است، وجود (من) پیش از تجربه‌ها و آموختن‌ها وجودی است خام. ما قادر هستیم که به این وجود خام شکل بدهیم و این همان اصل اختیار است".

طرفداران نظریه اختیار اعتقاد دارند که هر کاری که (من) بتواند نظارت و تسلطی از خود در آن اعمال نماید آن کار بدون شک اختیاری خواهد بود. نظارت و تسلط (من) در افراد انسانی بسیار مختلف است، در هر فردی که این پدیده شدیدتر و قوی‌تر باشد نیروی اختیار او بیشتر بوده و در نتیجه کمتر تحت تاثیر عوامل مکانیکی درونی و بیرونی قرار میگیرد. پدیده اختیار نسبی و دارای مراتب مختلفی از شدت و ضعف است که ناشی از میزان نیروی تسلطی است که (من) افراد انسانی دارایی باشد. امامیه میگویند اصل قدرت و تمام وسائلی که عوامل طبیعی کارها می باشد از خداوند است و بهره برداری اختیاری از آن قدرت و وسائل بدانسان مربوط میشود، نه جبر است و نه اختیار (تفویض) بلکه حالتی است بین این دو حالت. انسان فلجی را در نظر آوریم که توانایی حرکت ندارد. می‌توانیم با وصل کردن سیم برق او را بحرکت درآوریم طرز بهره‌برداری از این نیرو که باو داده‌ایم

اختیار است و نیروی برق جبر.

آنچه باختصار به آن اشاره کردیم تنها مقدمه کوتاهی بود بر مساله‌ای که سالها فکر بشر رایه خود مشغول کرده است. اکنون این بحث را بی آنکه بخواهیم یا نتوانیم از آن نتیجه بگیریم رها نمیکنیم چرا که تلاش ذهنی مانیز در این مورد حاصلی جز انباشتن مطالب بر صفحات نوشته شده در این زمینه ندارد. اما لازم است اشاره‌ای شود که از بحث درباره اجبار و اختیار متوجه این نکته میشویم که در فلسفه و کلام شیعی درباره جبرگرائی تعمدی نشده و حتی آن را هم نپذیرفته است بلکه به آن صورت نسبی داده، یعنی به ویژگیهای زمانی و مکانی نزدیکتر کرده است.

جامعه مورد مطالعه و روش بررسی :

ابعاد جغرافیائی این مطالعه مناطق روستائی شهرستانهای هشتروند و تربت حیدریه و کازرون که در سه نقطه مختلف از کشور قرار گرفته‌اند و هر یک دارای ویژگیهای متفاوتی هستند محدود میشود. این مناطق بطور تصادفی و بر اساس طرح آمارگیری نمونه‌ای مبنی بر طبقه بندی به منظور بررسی در مورد باروری تعیین شده بودند.

از نظر زمانی مطالعه حاضر از مردادماه ۵۱ تا شهریور ماه ۱۳۵۱ در شهرستان هشتروند و از تیرماه تا مردادماه سال ۱۳۵۲ در شهرستان تربت حیدریه و از اسفندماه تا فروردین ماه ۱۳۵۱ در شهرستان کازرون انجام گرفته است. نمونه‌گیری و انتخاب روستاهای مورد بررسی با استفاده از فهرست آسای دهات به تفکیک بخش و دهستان که بر اساس تعداد جمعیت تنظیم گردیده بود به روش نمونه‌گیری سیستماتیک و در نظر گرفتن شانس نسبی هر کدام از دهات، در رابطه با تعداد جمعیت انجام گردید. نمونه‌گیری خانوارهای نمونه در سطح دهات به روش نمونه‌گیری سیستماتیک و بر اساس فهرست برداری خانوارهای ساکن در روستا صورت گرفت. در سطح خانوارها و نیز روستاهای مورد بررسی اطلاعاتی از نظر شناسائی ویژگیهای عمومی گردآوری شد که در گزارشهای ویژه‌ای ارائه گردیده است. و از نقل مجدد در این مقاله خودداری می‌گردد. با توجه به اینکه بررسی جامعی که این مطالعه در چارچوب آن صورت گرفته است، محدود به خانوارهایی بوده است که در آنها زن همسر دار در سن باروری باشد، پاسخگویان مردان همسر دار، یعنی روسای خانوارها بوده‌اند که تعداد آنها

درهشترود ۱۳۵۱ نفر در کارزون ۱۲۱۹ نفر و در تربت حیدریه ۱۲۰۰ نفر بوده که مجموعاً ۳۷۷۰ نفر را در ۱۸۹ روستا شامل می شود.

این بررسی به وسیله پرسشنامه انجام شده که توسط پرسشگران و از طریق مراجعه مستقیم به رئیس خانوار تکمیل گردیده است. پس از انجام استخراج و محاسبات مقدماتی به هنگام تجزیه و تحلیل از مشاهدات محلی و مدارک و اسناد موجود نیز بهره جویی شده. بررسی درمسالهای پیچیده چون جبرگرائی خالی از اشکال نیست و برای توجیه این گرایش رفتاری بایستی ضابطه‌هایی در دست داشت که بتواند متغیر مورد بررسی را اندازه‌گیری کند و چنین ضابطه‌ای در ایران وجود ندارد، و کاربرد شاخصهای مورد استفاده در کشورهای دیگر هم خالی از اشکال نمی نمود. با توجه به این تنگنا و نیز خودداری از ارائه تعریف محدودکننده‌ای از مساله مورد تحقیق تصمیم گرفتیم ابعاد اصلی موضوع را که در برگزیده جنبه‌های مختلف حیات زیستی، اجتماعی، اقتصادی، روانی باشد و ارائه پاسخ مثبت یا منفی به آنها حاکی از گرایش یا عدم گرایش به سرنوشت گرائی باشد در قالب سؤال درآوریم و از پاسخگو بپرسیم و موارد پاسخ‌ها که حاکی از سرنوشت گرائی است در جدول پیوست تنظیم گردیده است.

نتایج بررسی روش‌های مردم‌شناسی و مطالعات فرهنگی

الف - آیا ارتکاب به جنایت امری فطری است؟
انسانی

اعتقاد به فطری بودن جرم و جنایت و وجود جانی بالفطره در تاریخ سابقه کهن دارد و برای مجرمان و جنایتکاران علامت بدنی و اخلاقی ذکر کرده‌اند. متکلمین اسلامی نیز عقیده داشته‌اند که بعضی‌ها مجرم به دنیا می‌آیند، چرا که نطفه آنها ناپاک است. از روستائیان مناطق سه‌گانه درباره فطری بودن ارتکاب به جرم و جنایت پرسیده‌ایم، در مجموع ۲۹٪ از آنها اظهار نظر کرده‌اند که ارتکاب جرم فطری نیست، اما اکثریت یعنی حدود ۸۶٪ آنرا فطری دانسته‌اند. مناطق هریک پاسخ‌های متفاوتی داده‌اند. ۷۷٪ روستائیان هشترود عقیده دارند که جرم فطری است، در مناطق تربت حیدریه و کارزون این نسبت‌ها به حدود ۵۶٪ و ۷۷٪ میرسد. اهمیت درصدهای یاد شده حاکی از

سرنوشت گزائی روستائیان در کلیه مناطق و لکن با اهمیتی کم و بیش متفاوت است که شناخت علل این تفاوتها بررسیهای ویژه‌ای را اقتضا می‌کند.

ب - خوش قدمی یا بدقدمی:

وقتی که از پاسخگویان به این نظر که بعضی از افراد خوش قدم ، و بعضی دیگر بدقدم هستند معتقدند یا نه ، حدود ۸۲٪ از روستائیان سه منطقه پاسخ مثبت دادند . ارقام به دست آمده را چنانچه بر اساس سه شهرستان مورد بررسی ، جداگانه مورد توجه قرار دهیم به نوسان خیلی زیادی بر نمی‌خوریم و پاسخها همگی دلالت بر سرنوشت گزائی در این مورد خاص میکنند . باید اشاره کنیم که اعتقاد به خوش قدمی یا بد قدمی بویژه در هنگام تولد فرزندان اهمیت ویژه‌ای دارد ، هر گاه تولد کودکی مقارن با بروز سالهای در سطح خانوار یا حتی جامعه روستائی باشد این کودک بدقدم تلقی می‌گردد .

ج - چرا بعضی از مردم فقیرند برخی ثروتمند ؟

نسبت قابل توجهی از روستائیان علت فقر را وجود دشواریهای فردی و اجتماعی دانسته‌اند . توجه روستائی به دلائل فردی و اجتماعی مشابه آگاهی تدریجی او از تأثیر عوامل اجتماعی است و مسائل اقتصادی را در رست پسرنوشت نسبت نمی‌دهد . در مورد سرنوشت گزائی تین سه منطقه هشتروند و تربت حیدریه و کازرون اختلاف مختصری به چشم می‌خورد . نسبت معتقدان به سرنوشت گزائی در سه منطقه ۶۶٪ است که بالاترین نسبت مربوط به شهرستان کازرون است (۸۰٪) و پائین ترین نسبت مربوط به تربت حیدریه (حدود ۵۲٪) . بررسیها در این مورد نشان میدهد که هر قدر از کلیت مسأله مورد پرسش گاسته میشود ، فرد در مقابل شرایط اختصاصی تر به قضاوت می‌پردازد . عینیت گزائی که در این مورد مترادف با جامعه گزائی است ، افزایش می‌یابد .

د - عوامل تعیین کننده خوشبختی و بدبختی :

حدود ۸۴٪ از روستائیان در پاسخ این سؤال که عوامل تعیین کننده خوش بختی و بدبختی کدامند ؟ عواملی را ذکر کرده‌اند که جنبه سرنوشت گزائی دارد . در مقابل حدود ۱۵٪ هم بطور کلی فرد و جامعه را معرفی کرده‌اند . روستائیان کازرون بیش از دو منطقه دیگر سرنوشت گرا بوده‌اند . حدود ۸۷٪ عامل بدبختی را سرنوشت ذکر کرده‌اند ، و حال آنکه روستائیان هشتروند و تربت حیدریه بترتیب ۶۰٪ و ۶۶٪ سرنوشت را عامل بدبختی و خوشبختی پنداشته‌اند .

هـ- چرا بیماریهای واگیردار انتشار می یابند:

در نظر روستائیان علل انتشار بیماریهای واگیردار عدم مراقبت های بهداشتی و قضا و قدر بوده است. (عدم مراقبت های بهداشتی ۵۰% و قضا و قدر حدود ۴۹%) پاسخ های روستائیان سه منطقه متفاوت می باشد. ۴۶% روستائیان هشترود عدم مراقبت های بهداشتی را علت انتشار بیماریهای واگیردار دانسته اند. روستائیان تربت در این مورد کمی واقع بین تر به نظر میرسند و حدود ۶۰% علت انتشار بیماریها را عدم مراقبت های بهداشتی دانسته اند که احتمالاً " مربوط به بالا بودن سطح سواد در این منطقه نسبت به دو منطقه دیگر و یا فعالیت های بیشتر مسئولان امور بهداشتی می باشد.

و- علل عقیم بودن:

بطور کلی ۳۷% روستائیان سه منطقه علل عقیم بودن را سرنوشت می دانند. ارقام بدست آمده از سه شهرستان مختلف است ۱۶% از روستائیان هشترود علل عقیم بودن را سرنوشت ذکر کرده اند. ۴۶% روستائیان کازرون علل عقیمی را قضا و قدر دانسته اند. و ۲۸% روستائیان تربت حیدریه هم برای عقیمی علت سرنوشتی قائل شده اند.

ز- علل جوانمردی شدن:

۶۳% روستائیان سه منطقه علل جوانمردی شدن را به سرنوشت نسبت می دهند. ارقام مبین سرنوشت گرایی در سه منطقه مختلف است. مثلاً " حدود ۷۵% روستائیان کازرون علل جوانمردی را سرنوشت دانسته اند. حدود ۵۰% روستائیان تربت حیدریه به قضا و قدر در این زمینه معتقدند. حدود ۵۷% روستائیان هم علل جوانمردی را سرنوشت ذکر کرده اند. به نظر میرسد روستائیان کازرون قضا و قدری تراز سه منطقه روستائی دیگر بوده اند.

ح- فرو ریختن سقف خانه:

در این نظرخواهی ۵۴% روستائیان بطور کلی فرو ریختن سقف خانه را به قضا و قدر نسبت داده اند. اما نظر آنها در سطح مناطق متفاوت است. ۶۶/۷% روستائیان کازرون علت فرو ریختن سقف خانه را به سرنوشت نسبت داده اند و ۴۱% روستائیان هشترود هم همین عقیده را داشته اند. میزان سرنوشت گرایی روستائیان تربت حیدریه در این زمینه از هر دو کمتر میباشد (حدود ۳۸%).

ط - علل طلاق:

حدود ۹۰٪ از روستائیان نمونه علت طلاق را عدم سازش دانسته‌اند یعنی در این باره تجربی و عینی اندیشیده‌اند. روستائیان سه منطقه در مورد عدم سازش تقریباً " پاسخهای یکسان داده‌اند. هشتروند و تربت حیدریه حدود ۹۳٪ و گازرون حدود ۸۵٪ که بنظر میرسد در این مورد بیشتر از تجربه زندگی خود کمک گرفته‌اند.

ی - نشستن جغد بر بام خانه:

بطورکلی ۸۴٪ از روستائیان سه منطقه نشستن جغد بر بام خانه را مصیبت‌بار میدانند. ۷۰٪ روستائیان هشتروند و ۸۰٪ روستائیان گازرون به این شومی اعتقاد دارند. در صد روستائیان تربت حیدریه از هر دو کمتر و و در حدود ۵۲٪ میباشد.

روستائیان جغد را دارای نیروی مرموزی می‌دانند و برخی از مسائل و مشکلات زندگی خود را به این پرنده نسبت می‌دهند.

خلاصه و نتیجه

مطالعه‌ما نشان داد که قضا و قدری بودن روستایی و حالت تسلیم و رضای محض او در تمام امور، پذیرش انواع بلاها، و بی تفاوتی در مقابل آنها را نتیجه داده است. همه چیز را می‌پذیرد و خود را در برابر آن محکوم میداند، باید ریشه‌های این حالت تسلیم و رضا را، در فرهنگ و زندگی او جستجو کرد زیرا کاملاً " از خرافات جدا نشده و عوامل مختلف طبیعی و اقتصادی اجتماعی در کارش موثرند.

ارزشهای اجتماعی او با ارزشهای اجتماعی شهری متفاوت است و نوآوریها را دیرمی‌پذیرد. اگر شهری کردن روستا و یکسانی خدمات آموزشی، حرفه‌ای، پزشکی، درمانی، تفریحی و سایر تباينهای فرهنگی شهر و روستا از بین نرود، شاید باز هم در آینده سرنوشت در حیات فکری روستا حکومت کند.

در صد روستائیان معتقد به تاثیر سرنوشت در زمینه‌های مختلف و به تفکیک منطقه

ردیف	زمینه مورد سؤال	هستروند	تربت حیدریه	کازرون	جمع مناطق*
		%	%	%	%
۱	فطری بودن ارتکاب جرم و جنایت	۷۷	۵۶/۹	۷۶/۷	۸۶/۹۸
۲	خوش قدمی یا بد قدمی	۸۶	۷۴/۷	۸۸	۸۲/۸
۳	دلایل فقیر بودن بعضی از مردم	۵۶/۳	۵۱/۹	۷۹/۷	۶۶/۶
۴	علل تعیین کننده خوشبختی و بدبختی	۶۰/۳	۶۵/۸	۸۶/۶	۸۴/۶۵
۵	علل انتشار بیماری‌های واگیر	۴۷	۲۴	۵۹/۳	۴۸/۷۵
۶	عقیم بودن بعضی از زن و شوهرها	۱۶	۲۷/۸	۴۶	۳۶/۸۸
۷	جوانمرد شدن	۵۷	۴۹/۴	۷۵/۳	۶۳/۳۰
۸	شومی نشستن جغد بر بام خانه	۷۰	۵۲/۳	۷۹/۵	۸۴
۹	علل فروریختن سقف خانه	۴۱	۳۸/۴	۶۶/۷	۵۴
۱۰	علل طلاق	۵/۴	۲/۵	۱۳/۱	۱۰/۵۵

* با توجه به متفاوت بودن تعداد نمونه در سطح هر منطقه مورد مطالعه درصد کل بد منطقه با استفاده از فرمول زیر محاسبه گردیده است.

$$Pt = \frac{\sum Nipi}{\sum Ni}$$

منابع:

- ۱ - مجله دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد شماره هجدهم بهار ۱۳۳۵ صفحه ۱۶۰
- ۲ - جعفری، محمدتقی، جبر و اختیار، مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ اسلامی، تهران، ۱۳۵۲
- ۳ - الهی قمشای، محی‌الدین، حکمت الهی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۰
- ۴ - مشکور، محمد جواد، هفتاد و سه ملت، بنگاه مطبوعاتی عطائی، تهران ۱۳۲۷
- ۵ - شهرستانی، الملل والنحل، چاپ سنگی بدون تاریخ تهران
- ۶ - باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم، چاه در مسیر قنات، دومین سمینار ملی رفاه اجتماعی تهران، ۲۵۳۵۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی